

بایدها و نبایدهای نگاه قانون گذار به نقش بزه دیده

در ارتکاب جرم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۲)

دکتر علی نجفی توانا

عضو هیات علمی دانشگاه

سحر بیگی^۱

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

چکیده

بر اساس یافته های بزه دیده شناسی علمی، به منظور پی بردن به علل بزه کاری بر پایه ی یافته ها و ملاک های علمی و جرم شناسانه به مطالعه تقصیر بزه دیده به عنوان یکی از ارکان اصلی جریان کیفری در تکوین رویداد جنایی از گذر روابط میان بزه دیده و بزه کار پرداخته می شود تا این امر موجب درک بهتر و تحلیل قوی تر فرآیند ارتکاب جرم شود و زمینه را برای اجرای عدالت و تحقق اصل فردی کردن مجازات در مباحث تقصیر بزه دیده فراهم کند. در پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی با تأثر از آموزه های بزه دیده شناسی علمی تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرائم مستوجب حد، قصاص، دیه و تعزیر و بایدها و نبایدهای قانون گذاری در قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی: بزه دیده، تقصیر بزه دیده، قانون گذاری، بزه دیده شناسی علمی

^۱. نویسنده مسئول

مقدمه

همسو با فرآیند جهانی سازی حقوق و به ویژه علوم جنایی بزه دیده که در گذشته یکی از کنشگران فراموش شده جرم بود به یکی از کانون های توجه در سیاست گذاری بین المللی و داخلی به عنوان یکی از دغدغه های مهم نظام های حقوقی مختلف تبدیل شد به طوری که ورود بزه دیده به فرآیند دادرسی جنایی تحولاتی را در جرم شناسی به وجود آورد که در نتیجه این تحولات به بررسی روابط بزه دیده و مباشر رفتار مجرمانه پرداخته شد و این امر زمینه مناسبی را برای ایجاد شاخه ای در جرم شناسی به نام بزه دیده شناسی دست داد (ریموند گسن ۱۸۹:۱۳۹۲) جرم شناسان به تدریج دریافتند برای ارائه یک مطالعه کامل و همه جانبه از جرم باید همزمان به بررسی جرم و مجرم و نیز مجنی علیه او و نیز وضعیت قبل از ارتکاب جرم پردازند فلذا مطالعات جرم شناسان به سمت بزه دیده و شخصیت او روی آوردند (نجفی ابرند آبادی ۲۴۳:۷۴) از دیدگاه تاریخی بزه دیده شناسی در قلمرو علوم جنایی بر بنیانی دو گانه استوار است: از یک طرف این قلمرو مطالعاتی به نقش سرزنش آمیز بزه دیده در فرآیند رخداد جرم از نظر گاهی علت شناسانه توجه می کند و از سوی دیگر بزه دیده را گذشته از تقصیر یا بی تقصیر شایسته حمایت می دارد فون هنتینگ در کتاب خود تحت عنوان بزهکار و قربانی او بیان می دارد که: برای شناخت عمیق و همه جانبه از جرم و حفاظت موثر از جامعه در برابر آن باید کلیه عوامل موثر در ایجاد پدیده مجرمانه مورد بررسی قرار گیرند چرا که جرم و عوامل ایجاد آن همانند حلقه های زنجیر به یک دیگر متصل هستند زنجیری که جرم آخرین حلقه آن را تشکیل می دهد و نباید جدا از سایر حلقه ها در نظر گرفته شود، بزه دیده نیز یکی از حلقه هاست فلذا وقتی رفتار مجرمانه را فرآیند یک سلسله عوامل فردی و اجتماعی معرفی می کنیم باید نقش بزه دیده را نیز به عنوان عامل خارجی (اجتماعی) در ایجاد وضعیت مجرمانه مورد بررسی قرار دهیم بزهکاری محصول عملکرد عناصر همبسته ای چون بزهکار، بزه دیده و وضعیت ماقبل ارتکاب جرم و کنش و واکنش متقابل میان آنهاست (نجفی ابرند آبادی ۲۴۴:۷۴) رویکرد دوم بزه دیده شناسی که در نیمه نخست سده بیستم مطرح شد در

مورد بزه دیده شناسی که در نیمه نخست سده بیستم مطرح شد در مورد بزه دیده نگرشی منفی به جایگاه او در فرآیند مجرمانه و او را یک رکن و عنصر حیاتی در وضعیت مستعد ارتکاب جرم می داند و به تعامل پویایی میان بزه دیده و بزهکار توجه دارد و معتقد است که همین تأثیر بزه دیده در فرآیند ارتکاب جرم حقوق کیفری را نیز متأثر می سازد و قابلیت تحمیل مجازات بر بزه دیده را امکان پذیر می داند (بیگی ۱۳۸۸: ۴۹). در سیاست جنایی ایران نیز به تبع تلاش های بین المللی در جهت شناخت بزه دیده با طرح بحث های جرمشناسی مفهوم بزه دیده در جرم شناسی و مباحث علوم جنایی بیش تر مورد توجه قرار گرفت (بیگی و همکاران ۱۳۹۳، ۱۴۴). قانون دامنه و حدود صلاحیت حکومت را ترسیم می کند و به مقامات عمومی جواز اعمال قدرت سیاسی را اعطا می کند قانون حقوق و تکالیف اشخاص را معین نمی کند بلکه ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی حکومت ها نیز محسوب می شود هرروزه ابعاد گسترده تری از زندگی اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی و مذهبی مشمول احکام قانونی می شود و اراده های آزاد چه مستقیم و چه غیرمستقیم تحت اراده و نظارت قوانین و مقررات در می آید و بسیاری از حوزه ها که روزی خصوصی تلقی شده و خارج از اراده و امر و نهی حکومت تلقی می شود اکنون تحت سیطره حکومت از طریق قوانین و مقررات قرار دارد خلاصه اینکه کارخانه های قانون سازی هر روز بر حجم و پیچیدگی قوانین می افزایند و مجموعه های مفصل قوانین پیش روی شهروندان قرار می گیرد (و کیلیان و مالمیری ۱۳۹۵: ۳۰). در قانون مجازات اسلامی هم قانون گذار تقصیر بزه دیده را موثر بر مسئولیت کیفری بزهکار که به عنوان یکی از ابزارهای سیاست فردی کردن مجازات است در نظر گرفته و دلیل آن نقش شتاب دهنده بزه دیده در ارتکاب جرم دانسته است (جوان جعفری و شاهیده ۱۳۹۲: ۱۳۲). به نظر میرسد: زمانی که بزه دیده خود با تقصیر، اهمال کاری، تحریک و... گاهی در حد شریک جرم باعث ایجاد زمینه ارتکاب جرم می شود لازم است که صرف پیشنهاد برای تخفیف مجازات بزهکار برای بزه دیده هم مجازات مناسب در نظر گرفته شود. خطوطی که حقوق جزا ترسیم میکند اغلب خودسرانه و تصنعی هستند بنابراین جرم شناسی باید از طبقه بندی های رفتاری که توسط قانون مجرمانه تلقی می شوند فراتر رفته و حدود خود را به دسته

بندی های وسیع تر از انحراف اجتماعی توسعه دهد محدود کردن مطالعه به رفتارهای مجرمانه ای که قانون آنها رامشخص می کند به این معنا خواهد بود که موضوع جرم شناسی با توجه به خصوصیات ذاتی این علم تعریف نمی شود بلکه قانون گذاران آن را تعریف میکنند. رویکرد قانون گذار به بزه دیده مقصر چگونه است؟ تا چه حدودی می توان برای بزه دیده مقصر اعمال مجازات کرد؟ اعمال مجازات در این زمینه چه عواقبی دارد؟ این پرسش ها مسائلی هستند که خواهان بررسی آنها در این مقاله هستیم.

بخش اول: مفهوم بزه دیده شناسی علمی

اولین برخورد سیستماتیک با قربانیان بزه در سال ۱۹۴۸ در کتاب فون هانتینگ تحت عنوان بزهکار و قربانی او پدیدار شد وی در بخش چهارم کتاب خود تحت عنوان جنجالی ((همکاری قربانی برای تکوین بزه)) از مطالعه و بررسی خشک و ایستای تک بعدی بزهکار که بر جرمشناسی حاکم بود به انتقاد پرداخت و پیشنهاد کرد که جای آن را نظریه ای جدید، پویا و دو بعدی بگیرد که به بزهکار و بزه دیده نگرش برابری داشته باشد فون هانتینگ در مقاله ای بیان داشت درست است که بسیاری از اعمال بزهکارانه وجود دارد که در بروز آن بزه دیده سهم بسیار کم داشته و یا هیچ نقشی ندارد... از طرفی دیگر ما می توانیم مکرراً شاهد یک تقابل واقعی میان بزهکار و بزه دیده قاتل و مقتول - فریبکار و فریب خورده باشیم اگرچه این عملکرد متقابل یکی از پدیده های زندگی جنایی است که بیشترین کنجکاوی را بر می انگیزد ولی توجه آسیب شناسی اجتماعی را به خود جلب نکرد (عزت عبدالفتاح. ترجمه رحیمی نژاد ۱۳۷۸: ۱۱۴) دیگر پیشگامان بزه دیده شناسی که قویاً بر این باور بودند که بزه دیده گان ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه نقش مسبب را بازی کنند خطوط اصلی بسیاری از اشکال این مساعدت بزه دیده را این چنین ترسیم کردند: بی مبالایی، بی پروایی، بی دقتی، و غیره. آنها نشان دادند که نقش بزه دیده می تواند یک نقش انگیزشی باشد. (عزت عبدالفتاح. ترجمه رحیمی نژاد ۱۳۷۸: ۱۱۶) بزه دیده شناسی علمی شاخه ای از جرمشناسی جدید که به مطالعه قربانیان جرم می پردازد. در واقع این شاخه بزه دیده شناسی نگرش منفی به جایگاه بزه دیده در فرآیند

مجرمانه دارد و بزه‌دیده را عاملی موثر در تحقق جرم می‌پندارد. (ابراهیمی ۱۳۸۴: ۲۸۸) فرق بزه‌دیده شناسی مبارزاتی و بزه‌دیده شناسی علمی در آن است که هدف بزه‌دیده شناسی مبارزاتی دفاع از بزه‌دیده است بدون آنکه نقش بزه‌دیده را در ارتکاب جرم مورد بررسی قرار دهد در حالی که بزه‌دیده شناسی علمی مجنی^۲ علیه را به عنوان کسی که در ارتکاب جرم نقش داشته مورد بررسی قرار می‌دهد بدین ترتیب بزه‌دیده شناسی ایدئولوژیک به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم توجهی نداشته هدفش دفاع از بزه‌دیده به عنوان قربانی جرم بعضاً دفاع کورکورانه از وی می‌باشد (نجفی ابرندآبادی. ۱۳۷۴: ۲۷۹) فون هنتینگ در این زمینه بیان می‌کند قانون نتایج خاص و اقدامات نهایی را که به نتایج منجر می‌گردد در نظر می‌گیرد در اینجا قانون تفاوت آشکاری بین مرتکب جرم و متضرر از جرم قائل می‌شود در موارد قابل توجهی با نگاهی به تکوین موقعیتی که منجر به وقوع جرم می‌شود ما بزه‌دیده‌ای را می‌بینیم که با سکوت خویش رضایت داده، همکاری کرده و یا با بزه‌کار تبانی کرده و یا آن را تحریک کرده است بزه‌دیده یکی از عناصر علی و سببی (پیدایش جرم) می‌باشد. فون هنتینگ بر این امر اصرار داشت که بسیاری از قربانیان جنایت از طریق تحریک و برانگیختگی جانی و یا با ایجاد پرورش موقعیت که احتمالاً منجر به ارتکاب جرم از سوی جانی می‌شود به قربانی شدن خود کمک می‌کند (رحیمی نژاد ۱۳۷۸: ۱۱۵) مطالعه نقش بزه‌دیده به عنوان یکی از کنشگران اصلی ارتکاب عمل مجرمانه می‌تواند موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرآیند ارتکاب جرم شود و زمینه را برای اجرای عدالت و تحقق اصل فردی کردن مجازات‌ها که در مباحث تقصیر بزه‌دیده در وقوع جرم در قالب نهادهای مختلفی مانند: کیفیات مخففه، تعلیق و سقوط مجازات‌ها نمایان می‌شود، فراهم کند در مقام علت شناسی جرم علاوه بر بزه‌کار، علل و عوامل شخصی، محیطی و وضعی باید به بزه‌دیده هم به عنوان عامل موثر در وقوع جرم توجه شود بدین سان تقصیر بزه‌دیده عاملی فعال در ارتکاب جرم تلقی می‌گردد و از آنجایی که نقش و سهم بزه‌دیده در تکوین جرم تعامل و ارتباط وی با بزه‌کار به عنوان عامل اصلی جرم انکار ناپذیر است به عبارت دیگر در بزه‌دیده شناسی علمی به طور ضمنی فرض کوتاهی یا تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم مطالعه می‌شود به طور کلی فوئرباخ می‌گوید: اگر در جرایم دقت

شود بزه‌دیده علت و منشا هر چیزی است که بر سر او آمده و بزه‌دیده خود مقصر است. (فوئریاخ به نقل از سماواتی پیروز ۱۳۸۵: ۸۳) بنیامین مندلسون در مطالعات خود به بررسی روابط بزه‌دیده و بزه‌کار پرداخت و ی به پنج تیپ رابطه پی برد که ریشه زیستی-اجتماعی آنها در بزه‌دیده نهفته است:

- ✓ بزه‌دیده ای که کاملاً بی‌گناه است، چنین بزه‌دیده ای را می‌توان بزه‌دیده ایده‌آل یا آرمانی توصیف کرد مانند طفل بزه‌دیده.
- ✓ بزه‌دیده ای با درجه کم تقصیر مانند بزه‌دیده نادان
- ✓ بزه‌دیده ای که به اندازه بزه‌کار مقصر است مانند بزه‌دیده عمدی، داوطلب
- ✓ بزه‌دیده ای که بیشتر از بزه‌کار مقصر است یا صرفاً مقصر است
- ✓ مقصرترین بزه‌دیده یا فقط مقصر

بخش دوم: تحلیل ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی

یکی از اصولی که در قانون نویسی باید در نظر گرفته شود صراحت و شفافیت قانون است. صراحت و شفافیت یکی از خصوصیات بارز قانون‌گذاری خوب است (دل‌ماس مارتی ۱۳۸۲: ۶۶، نوربها ۱۳۸۲: ۲۸۵) که این امر در بحث جرم‌انگاری اهمیت بیشتری دارد. قانون مبهم آن هم درباره جرم‌انگاری سرنوشت افراد را دستخوش سلیقه‌های فردی می‌کند (پوربافرانی ۱۳۸۸: ۳۷، ۵۱) به بیان دیگری صرفاً آن معنایی که قضات در دادگاه‌ها به قانون می‌دهند چیزی است که در جامعه به عنوان قانون شناخته می‌شود نه معانی دیگر (وکیلان، المیری ۱۳۹۵: ۷) زمانی که در این ماده به طور کلی اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم را بیان کرده باید شاهد اختلاف نظر در این زمینه و لطمه حقوق و آزادی‌های افراد باشیم که این خود برخلاف اهداف قانون‌گذاری است. - برای بیان مفهوم اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم می‌توان به نظریه زیلینگک توسل جست که می‌فرماید: در بعضی موارد بزه‌دیده به یک علت خاص جزا تبدیل می‌گردد وقتی که یک منش معین بزه‌دیده

ارتکاب عملی را ترغیب می‌کند وی خود عامل جرم را تلقی می‌شود (نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۴: ۲۶۹) زمانی که یک خانم مسن که توانایی مراقبت از خود را ندارد انواع و اقسام زیورآلات را پوشیده چنین فردی قطعاً طعمه خوبی برای بزه‌دیدگی سرقت قرار می‌گیرد و بزه‌دیده آماده و تعیین شده‌ای است که ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند. مورد دیگری که زیلینگ در این زمینه مطرح می‌کند این که آیا بین مجنی علیه و مرتکب جرم قبلاً رابطه قبلی در خصوص ارتکاب جرم وجود داشته یا نه؟ همان مطلبی که هتینگ در کتاب خود تحت عنوان اصطلاح پیش استعدادها یا پیش زمینه‌های مجنی علیه است که فرد را به بزهکاری سوق می‌دهد در مورد این مطلب می‌توان اشاره کرد که: زمانی که فرد در فضای مجازی از جمله اینستاگرام یا گروه‌های دوستی از جای جای منزل و وسایل لوکس خود عکس گرفته و به نمایش می‌گذارد چنین شخصی زمینه‌آشنایی را برای فرد بزهکار فراهم می‌کند. مطلب دیگری که در ماده وجود دارد از قبیل گفتار یا رفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده است. رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیدگان، سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و مراقبت نکردن آنان شیوه‌ای است که اهمیت اوضاع و احوال ارتکاب آنها را نشان می‌دهد (بابایی ۱۳۹۰: ۲۷۶) همان طور که ملاحظه می‌شود رفتار و گفتار تحریک‌آمیز از مصادیق بارز معاونت هست که در ادامه این ماده نیاز به بیان صریح اعمال مجازات طبق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی برای فرد تحریک‌کننده است. و مورد دیگر این که تخفیف را صرفاً به صورت یک پیشنهاد بیان کرده و قاضی الزامی به اعمال چنین تخفیفی ندارد که خود باعث اجحاف در حق بزهکار می‌باشد.

بخش سوم: رویکرد قانون مجازات اسلامی در بزه‌دیده مقصر

بند اول: تقصیر بزه‌دیده در جرائم حدی

مطالعه انواع حدود و مجازاتهای جرایم مستوجب آنان در کتاب حدود قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که مجازاتهای حدی ثابت هستند و دادگاه نمی‌تواند کیفیت نوع و میزان آن را تغییر دهد. بنابراین تاسیسات حقوقی در جهت فردی کردن مجازات در حدود چندان قابل

طرح نیست به این موارد می‌توان بزه‌دیده را هم اضافه کرد که در برخی جرائم مانند: زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و شرب مسکر که اصطلاحاً در جرم‌شناسی به آنها جرایم آپارتمانی هم می‌گویند نمی‌تواند بر میزان مجازات فاعل جرم تاثیرگذار باشد، ولی در برخی جرائم مستوجب حد مانند: قذف و سرقت بزه‌دیده نقش قابل توجهی در اعمال مجازات یا تغییر آن نسبت به فاعل جرم دارد که البته گاهی زنا را می‌توان به این موارد افزود.

✓ زنا

به موجب تعریف ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی «عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نباشد» جرم زنا معمولاً با رضایت طرفین صورت می‌گیرد و اصولاً نمی‌توان بزه‌دیده ای برای آن تصور نمود، بنابراین شاکی این جرم حکومت است که به نمایندگی از جامعه مرتکبان آن را به دلیل نقض اخلاق و عفت عمومی و ارتکاب این فعل حرام مورد تعقیب و مجازات قرار می‌دهد. از جمله موارد جرم زنا که در جرم‌شناسی در مباحث بزه‌دیده شناسی مورد بحث فراوان است، موضوع زنای با محارم است که در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی نیز به آن اشاره شده و مجازات قتل برای آن در نظر گرفته شده است از آن جا که بسیاری از اعمال زنای با محارم با توسل به زور و عنف هستند در دسته جرائم تجاوز به عنف نیز قرار می‌گیرند نکته شایان توجه در این مورد که مرتبط با بحث ما در مورد نقش بزه‌دیده در جرائم مستوجب حد هست این است که در مورد تجاوز و زنای به عنف در مواردی قربانی جرم آگاهانه یا نا آگاهانه شرایطی ایجاد می‌کند که زمینه قربانی شدن خویش را فراهم می‌کند که این فرد بزه‌دیده در واقع همان بزه‌دیده گناه کار است یعنی کسی که به دنبال کنشی بزهکارانه نسبت به دیگری خودش قربانی جرم شده است. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی ۱۳۹۵: ۸۰). به عبارت دیگر از جمله عوامل بزه‌دیدگی افراد به خصوص زنان رفتارهایی است که خطر یا فرصت بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد مانند رفتار وسوسه برانگیز بزه‌دیده که حاکی از دعوت یا ترغیب باشد و یا صدور علانی از سوی بزه-دیده مانند: حرکات و اشارات و حالات خاص بدنی یا قرار گرفتن او در مقابل بزهکاران است.

به عقیده عبدالفتاح هر چند در این رویکرد بزه دیده صرفاً یک آماج منفعل جرم نیست تا بتوان او را طعمه ای در چنگال بزهکاران تصور کرد بلکه علل جرم آن زمان مشخص خواهد شد که کنش متقابل بین بزهکار و بزه دیده و نقشی که آن دو در بروز جرم بازی می کنند کاملاً تحلیل شود(به نقل از سلیمی و داوری ۱۳۹۴: ۲۵۰) با نگاه علت شناسانه به عوامل بزه دیدگی زنان در زمینه جرائم جنسی میتوان گفت که شیوه زندگی، فعالیت روزمره و نقش تاثیر گذار آنان در قالب تحریک و تشویق بزهکاران بالقوه در ارتکاب جرائم جنسی جذابیت زدایی از زنان به روش های مختلف آسیب پذیری آنان را کمتر میکند. بر اساس نظریه فعالیت روزانه زمانی بزه دیدگی احتمال بیشتری دارد واقع شود که سه عامل در یک زمان و مکان باهم جمع شوند. این سه عامل عبارتند از: حضور مرتکبان با انگیزه به وجود آمدن آماج یا افراد مناسب و نبود محافظ یا مدافع برای اهداف یا افراد یا آماج محافظت نشده (فلیپس ۱۹۹۵: ۳۸۴) این دیدگاه با آموزه های نظریه سبک زندگی هم تایید می شود. با این توضیح که رفت و آمد زنان در زمان های پرخطر یا مکان های خطرناک و مباشرت با مردان جوان هنگامی که با مثلث بزهکار با انگیزه، بزه دیده بالقوه و نبود محافظ توأم باشد، امکان بزه دیدگی جنسی را بیشتر میکند توجه به تقصیر بزه دیده را در رویکرد رویه قضایی هم میتوان ملاحظه نمود به عنوان مثال در پرونده شماره ۴۹۸۷ خانم ((م)) برای خرید گوشت مرغ به مغازه آقایان ((الف)) و ((م)) مراجعه میکند و به دلیل نداشتن پول، آنان به او در قبال پول و مرغ پیشنهاد رابطه جنسی می دهند بدین ترتیب آنها وی را به پشت یخچال مغازه برده و با وی رابطه جنسی برقرار می کنند و پس از آن مبلغ مورد نظر خانم ((م)) را به وی نداده و آن خانم به اتهام تجاوز به عنف از آنها شکایت می کند. دادگاه نیز با عنایت به تقصیر خود بزه دیده و فقدان ادله اثباتی در رابطه با زنا به عنف، متهمان را از اتهام انتسابی تبرئه نموده و فقط به دلیل زنا به عنف محصن و با رضایت، هر سه نفر را به صد ضربه شلاق حدی محکوم نمود(به نقل از شاهیده ۱۳۹۱) به دنبال مطالعات بزه دیده شناختی به طور ضمنی میتوان این اندیشه را مطرح کرد که در جرم تجاوز به عنف چه بسا خود بزه دیده در تمام جرم به نوعی مرتکب کوتاهی یا تقصیر شده باشد بنابراین بزه دیدگان تجاوز به عنف همیشه بی گناه و منفعل نیستند و اغلب با رفتارهایی که از طرف مجرمان به اشتباه به

عنوان دعوت یا فرصت تعبیر می‌شود تجاوز به خودشان را شتاب می‌بخشند. به اعتقاد هتینگ در برخی موارد روشن نیست که چه کسی در یک واقعه مجرمانه فاعل و چه کسی مفعول است و در برخی موارد نیز بزه‌دیده نهایی ممکن است عملی را که منجر به بزه‌دیدگی او شده را تسهیل کرده و بر آن تاثیر گذار باشد مثلاً بزه‌دیده با گفتار خود بزه‌کار یا قربانی کننده را در ارتکاب جرم تحریک نموده باشد. (ویلیامز ۱۳۸۴: ۴۰۸) بنابر این در بررسی چگونگی تکوین اوضاع منجر به ارتکاب جرائم جنسی با زنان بزه‌دیده ای روبه رو خواهیم شد که به طور ضمنی در ارتکاب جرم رضایت داشته، همکاری کرده و یا مرتکب را تشویق و تحریک کرده‌اند. (پرویزی ۱۳۷۹: ۱۸۴) بدین ترتیب بزه‌دیدگانی که نقش شتاب دهنده در وقوع جرم تجاوز دارند در محاکم کیفری مورد حمایت کمتری قرار می‌گیرند و این امر در رویه قضایی به شکل تخفیف مجازات بزه‌کار نمایان می‌شود. در نهایت می‌توان اذعان داشت که در جرائم جنسی زنان غالباً به عنوان یکی از طرفین عمل مجرمانه با انجام اعمال تسهیل کننده مانند تحریک، وسوسه و اغوای مردان و یا با سبک زندگی و فعالیت روزانه بزه‌دیده‌زا، نقش موثری در تکوین جرم دارند و باعث تسریع فرایند گذر از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه می‌گردند که البته این تأثیری گذاری می‌تواند آگاهانه و یا نا آگاهانه باشد. بر اساس مصاحبه‌های انجام انجام شده با زنان تهرانی هم‌نوع رفتار و کنش اجتماعی زنان نظیر پوشش و سهل انگاری و بی احتیاطی بعضی زنان زمینه‌های جلب توجه و وسوسه بزه‌کاران را برانگیخته و آنان را نسبت به رفتارهای مجرمانه ترغیب نموده و فرصت بزه‌کاری را فراهم می‌نماید. (صادقی فسایی و میرحسینی ۱۳۹۰: ۶۱) از همین رو زنانی که با حرکات رفتار خود به غلط یا از روی غفلت، فرصت ارتکاب جرم را برای بزه‌کار فراهم می‌کنند از دیدگاه رویکرد سرزنش بزه‌دیدگان شایسته حمایت کمتری هستند افزایش کنترل‌های رسمی و غیر رسمی در جامعه، شناسایی زنانی که در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند و آموزش روش‌های دفاع شخصی به آنان اعمال محدودیت در رفت و آمدهای شبانه و یا تردد در مکانهایی که امکان بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد نقش مهمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی زنان دارد. (شاهیده جوان جعفری ۱۳۹۳: ۱۳).

پوشیدگی زنان باعث می‌شود آنان کمتر در معرض آسیب‌های جنسی قرار گیرند. این موضوع تا حدودی در رویه قضایی محاکم قابل مشاهده است هرچند شاید دیدگاه‌های بزه‌دیده شناسی علمی به صورت آگاهانه و علمی در دادگاه‌ها اعمال نمی‌شود. از این رو بزه‌دیده شناسی علمی در این راستا در پی این است تا با به اثبات رساندن این موقعیت که بزه‌دیده خودش در وقوع و تکوین جرم نقش دارد از جهتی در حدود تعیین مجازات متناسب برای بزه‌کار و کاهش نقش بزه‌دیده در ایجاد موقعیت‌های خطر آفرین گام بردارد لیکن از آنجا که اصولاً زنا بر مبنای اراده و رضایت طرفین صورت می‌پذیرد بنابراین نمی‌توان این عمل را چندان از جنبه بزه‌دیده شناسی مورد تحقیق و بررسی قرار داد.

✓ قذف

مطابق ماده ۲۴۵ قانون مجازات ((قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد.)) قذف درواقع نوعی توهین است که باعث صدمه به حیثیت بزه‌دیده می‌شود و مطابق با قانون حق دارد به واسطه چنین نسبت دروغی که قاذف به او داده است نزد مقام‌های قضائی شکایت کرده و درخواست مجازات او را داشته باشد. بر پایه آموزه‌های بزه‌دیده شناسی علمی در جرم قذف نیز گاهی خود بزه‌دیده در تکوین جرم یا مهیا کردن مقدمات ارتکاب جرم مستقیم یا غیر مستقیم موثر هستند مانند مورد بند (پ) ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی در مورد اعمال تخفیف دادگاه نسبت به متهم رفتار و گفتار تحریک آمیز در بزه‌دیده باعث تخفیف مجازات می‌شود در واقع در این وضعیت خود بزه‌دیده با تظاهر به عمل متناسبه قبیح عمل فاعل و مبنای هتک حیثیت را از آن فعل برداشته است، به همین دلیل حق شکایت و درخواست مجازات فاعل (اجرای حد) را نخواهد داشت و دعوای او از این جهت مسموع نیست (مدنی ۱۳۹۷) بند (ث) ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن مقرر می‌دارد: در موارد زیر حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود...: هرگاه دوفرن یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند خواه متفاوت باشد. همانطور که در ماده (بند ث) و تبصره این ماده می‌تواند مصداقی از موضوع تحریک بزه‌دیده باشد که مقنن قذف

طرفینی قذف غیر ارتجالی را باعث سقوط حد دانسته است. علت این امر نیز تحریک و تهیجی است که بر اثر قذف از طرف یکی از قذف کنندگان در دیگری ایجاد میشود و همین حالت روحی و تحریک به عنوان عامل مخففه ای باعث تبدیل حد به تعزیر می گردد البته اعمال کیفیات مخففه در جرایم مستوجب قصاص و حد دارای اشکال است. چرا که موضوع مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی مجازات های تعزیری است، بنابراین برای مورد توجه قرار دادن نقش تحریک از طرف بزه دیده بهتر بود بند (ث) ماده مذکور بدین صورت تنظیم میشد که هرکس بدواً شروع به قذف نماید به حد قذف و شخصی که متقابلاً اقدام به قذف کند به تعزیر محکوم می گردد. (مدنی ۱۳۹۷)

۷ سرقت

برابر ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است با ارتکاب این جرم مال باخته می تواند به عنوان بزه دیده با شکایت از سارق اجرای مجازات حد را که مطابق با ماده ۲۶۸ تعیین شده است را درخواست نماید بر پایه ی آموزه های بزه دیده شناسی علمی ناظر بر سرقت می توان اذعان داشت که در مواردی خود بزه دیده با ایجاد موقعیت ها و شرایطی باعث می شود که بزه کار به سوی ارتکاب جرم تحریک شده یا ارتکاب جرم سهل و آسان به نظر برسد از این رو در صورتی که بزه دیده مال مورد سرقت را در یک محل متناسب نگهداری و محافظت نکند یکی از شرایط اساسی اجرای حد سرقت وجود نخواهد داشت بنابراین در صورتی که خود صاحب مال با کوتاهی خود مال مورد نظر را در محلی قرار دهد که از نظر عرف محل مناسبی برای نگهداری چنین مال با ارزشی محسوب نشود در صورتی که به واسطه سرقت مال مذکور به عنوان بزه دیده و مال باخته بخواهد از بزه کار نزد مقامات قضائی شکایت کند به هیچ عنوان سرقت مال وی از نوع سرقت حدی نخواهد بود و تبدیل به سرقت تعزیری خواهد شد (یزدانی ۱۳۹۳: ۵۶). همچنین این نکته را نیز باید مدنظر داشت که خود بزه دیده مال را در حرز قرار داده باشد لذا اگر مالی به هر نحو بدون اطلاع مالک و بزه دیده در حرز قرار گیرد مثلاً کسی مال دیگری را بدزد و در جایی پنهان کند که بعداً از آن استفاده

کند و فرد دیگری مال مذکور را که در حرز قرار گرفته است سرقت کند در این جا با این که سرقت از حرز صورت گرفته است اما حدی بر آن نیست زیرا که مالک برای حفاظت از دستبرد مالش را در حرز قرار نداده است پس ملاحظه می شود که سرقت در صورتی حدی است که بزه دیده یک سلسله اصول را مراعات کرده باشد و در حقیقت نقش بزه دیده در جرائم حدی در تغییر ماهیت عنوان مجرمانه نقش داشته و سرقت حدی را به تعزیری تبدیل می کند و به تبع آن مجازات بزه کار هم به جهت تقصیر خود بزه دیده کاهش می یابد. نکته دیگری که با تأثر از آموزه های بزه دیده شناسی علمی مدنظر قرار گرفته است و در واقع نشان دهنده نقش بزه دیده در ارتکاب جرم بوده و باعث تخفیف مجازات بزه کار می شود. مورد مذکور در ماده ۲۷۰ قانون مجازات اسلامی است که در آن چنین مقرر شده است: در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند حرز محسوب نمی شود در این ماده اگر سرقتی از طرف مالک اصلی یا نماینده او صورت گیرد عمل مالک یا نماینده او جرم محسوب نشده و مشمول سرقت حدی نیست اکثر فقها نیز سقوط حد در این حالت را به قاعده دراستند کرده اند (زراعت ۱۳۹۴: ۳۷۱). بنابراین در خصوص تأثیر تقصیر بزه دیده در جرائم مستوجب حد می توان اذعان داشت که قانون گذار بیشتر رویکرد جامعه مدار را به دلیل مقدم شمردن حق الله بر حق الناس مورد توجه قرار داده و بدون در نظر گرفتن نقش بزه دیده در وقوع جرم در راستای کیفردهی به بزه کاران قدم برداشته است (حسینی کوهساری ۱۳۹۰) مگر در برخی جرائم که شناسایی رفتارهای تقصیر آمیز بزه دیده را عاملی در عدم تحقق عنوان مجرمانه حدی دانسته و با تغییر جرم حدی به تعزیری مسئولیت کیفری بزه کار نیز کاهش یافته و قانون گذار در این زمینه به نوعی از یافته های بزه دیده شناسی علمی بهره برده است.

بند دوم: تقصیر بزه دیده در جرایم مستوجب قصاص

از دیدگاه بزه دیده شناسی علمی ممکن است بزه دیده تقصیر یا نقشی تحریک آمیز در ارتکاب جرائم مستوجب قصاص داشته باشد هر چند در قانون مجازات اسلامی به دلیل ثابت بودن این

این مجازات به این موضوع توجه چندانی نشده و در تعیین میزان کیفر نیز تاثیری نداشته لیکن استثناهایی دارد که به بیان آنها خواهیم پرداخت.

جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص از جمله جرائم خشونت آمیز است که در مواردی ممکن است بزه دیده این جرم نقش موثری در ارتکاب جرائم مستوجب قصاص داشته باشد به طوری که می توان گفت میان بزه دیده این جرم نقش موثری در ارتکاب جرائم مستوجب پیوندی حقوقی و جرم شناسی ایجاد نشده است چرا که بزه دیدگان ممکن است آگاهانه یا نا آگاهانه نقش مسبب را بازی کنند در جنایات مستوجب قصاص آموزه های بزه دیده شناسی علمی را می توان در رابطه بزه کار و بزه دیده، وضعیت روانی بزه دیده، دفاع مشروع و... در ارتکاب جرم تاثیر سایر عوامل باشد و در وقوع بزه دیدگی مشاهده نمود در راستای نقش بزه دیده در ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی می توان گفت که بزه دیده می تواند یک نقش انگیزشی یا کاربردی مانند: تحریک، تسبیب و مشارکت داشته باشد (عبدالفتاح ۱۳۷۸: ۱۱۵) به عبارت دیگر یافته های پژوهش در قلمرو بزه دیده شناسی علمی نشان می دهد که ارتباط میان بزه دیده و بزه کار مسئله ای است که در ایجاد وضعیت پیش جنایی نقش مهمی دارد و انتخاب فرد بزه - دیده از طرف بزه کار تا اندازه ای ناشی از رابطه قبلی بین آنان است (بابائی ۱۳۹۰: ۲۷۸) از این رو بزه دیده خود آگاه یا ناخود آگاه از طریق وسوسه، تحریک، ترغیب و... موجب تسریع فرآیند گذر از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه بزه کار بلقوه می شود درباره ارتباط نظریه شتاب دهندگی باید گفت که این دو اصطلاحاتی مشابه و در عین حال متمایزند به طوری که می توان گفت شتاب دهندگی عمل بزه دیده اصطلاح جامعه شناختی است که به اعمال شخص بزه دیده اشاره دارد که بزه کار برای ارتکاب جرم بر می انگیزد. (در حقوق کیفری ایران به دلیل ثابت بودن مجازات قصاص قضات دادگاه ها به موضوع تحریک مستلزم تبدیل یا تخفیف مجازات خواهد شد در حالی که قانون مجازات اسلامی اختیاری برای قضات در تغییر میزان کیفر جرائم مستوجب قصاص داده نشده است ولی با مطالعه موادی از این کتاب به مواردی برمی خوریم که به طور کامل با بزه دیده شناسی علمی مطابقت دارد: یکی از این مواد اعمال

قصاص که در ماده ۳۰۱ قانون مجازات بیان شده مجنون نبودن بزه‌دیده است که به این موضوع اشاره دارد که بزه‌دیدگان روانی استعداد قبلی برای بزه‌دیدگی دارند و می‌توانند عامل موثری بر وقوع جرم قتل و تحریک بزهکاری باشند و بزه‌دیده شدن خود را تسریع می‌کنند بنابراین در این ماده قانونی قانون‌گذار خصوصیت روانی بزه‌دیده را مدنظر قرار داد و با عدم حمایت از بزه‌دیده‌ای که بیماری روانی دارد آن را سبب کاهش مجازات بزهکار دانسته است با این وجود بیشتر به بزه‌دیدگان روانی و نقش آنان در ارتکاب جرم و این که به هر حال یک فرد روانی امکان دفاع و محافظت از خویش را ندارد بنابراین ماده ۳۰۵ را قابل اعمال می‌داند که می‌فرماید: مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات نیز محکوم می‌شود یکی از مصادیق بارز پیشگیری از جرائم مسبوق به اختیار و کردار بزه‌دیده یا متأثر از آن و حتی مرتبط با آن دفاع مشروع است که مصادیق و شرایطش در ماده ۱۵۶ ذکر شده قانون‌گذار در بحث دفاع مشروع تهاجم غیر قانونی (تقصیر) بزه‌دیده نهایی (در برابر حمله به جان یا مال) تمسک به دفاع مشروع را برای مرتکب تجویز می‌کند که در برابر تهاجم فعلی یا ترس از صدمه قریب الوقوع بزه‌دیده مهاجم از خودش دفاع کند و در این راستا می‌تواند از بالاترین حد نیرو یعنی نیروی مرگ آور هم در فرض وجود سایر شرایط استفاده کند زیرا از انجام هر عملی که جرم باشد در این ماده سخن رفته است با جمع شرایط قانونی دفاع مشروع فرد مدافع مسئول و مقصر تلقی نخواهد شد زیرا براساس تئوری‌های توجه به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم علیه خود این بزه‌دیده که با تهاجم اولیه زمینه وقوع جرم علیه خویش را فراهم نموده است. لذا بزه‌دیده مقصر می‌شود و بزهکار در این وضعیت اقدامی جز دفاع از خود انجام نداده است.

بند سوم: تقصیر بزه‌دیده در جرائم مستوجب دیه

در این مورد باید توجه شود که تقصیر بزه‌دیده صرفاً از طریق رفتار و گفتار تحریک آمیز رخ نمی‌دهد و ممکن است تقصیر به صورت اعمال و رفتار ناآگاهانه بزه‌دیده، سهل انگاری و بی

احتیاطی بزه دیده مطرح شود (جمال بیگی ۱۳۹۷: ۱۶۸) نمونه بارز اعمال بزه دیده مقصر در مواد ۵۱۱، ۵۰۴، ۵۰۷ به طور صریح بیان شده است.

مثالی که در مورد ماده ۵۰۴ می توان ذکر کرد زمانی است که برخورد پای عابر پیاده شخصی از خیابان عبور می کند و راننده ای که با رعایت تمام نکات لازم رانندگی میکند با این شخص تصادف میکند این شخص با سهل انگاری موجبات صدمه یا مرگ خود را فراهم کرده و راننده در این باره هم از لحاظ کیفری و هم از نظر پرداخت دیه مسئولیتی ندارد.

در انتهای ماده ۵۰۷ بیان شده: مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب عمداً با آن برخورد نماید. مثال مورد اشاره در این مورد این است که: چنان چه شخصی جهت حفاظت از منزل خود را به برق متصل نماید به گونه ای که رهگذران به طور عادی با آن برخورد نمی نمایند هرگاه فردی با رفتن بالای دیوار به قصد سرقت با آن برخورد نماید و دچار برق گرفتگی شود و فوت نماید باتوجه به آخر ماده ۵۰۷ مسئولیتی متوجه صاحب ملک نیست تا زمانی که این فرد از دیوار خانه این فرد بالا نمی رفت قطعاً بزه دیده هم نمیشد.

ماده: ۵۱۱: به بهترین حالت ممکن بزه دیده علمی را نشان می دهد علاوه بر اینکه چنین بزه دیده ای را مستحق دریافت دیه و خسارت نمی داند بلکه او را ضامن آسیب های ناشی از رفتار های ناآگاهانه خود می داند.

بند چهارم: تقصیر بزه دیده در جرائم تعزیری

در حقوق کیفری باید تحریک و تقصیر آگاهانه که نشان دهنده تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم است مورد توجه قرار گیرد چرا که مبنا قرار دادن صرف از دست دادن کنترل موجب نادیده گرفتن نقش موثر بزه دیده در ارتکاب جرم و تاثیر آن بر میزان تخفیف مسئولیت کیفری بزهکار می شود بر این اساس می توان اذعان داشت که هتینگ معتقد است که بانگاه دقیق تر می توان بزه دیده را عامل تحریک کننده شناخت که بدون تحریک وی جرم اتفاق نمی افتد)

فون هتینگ (۱۹۹۴:۳۵۹) وقتی بزه دیدگان با رفتار و گفتار خود مجرمان بالقوه را به ارتکاب جرم از سوی آن دسته از شهروندان که به واسطه تحریک بزه دیده مبادرت ورزیده اند نشان دهند درجه خطرناکی آنهاست به این ترتیب در پهنه جرم شناسی نظری رفتار بزه دیده به عنوان یکی از واکنش های اجتماعی که بر فرآیند فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه تاثیر میگذارد مورد توجه سیاست گذاران جنایی قرار گرفته است (جمال بیگی ۱۳۹۷: ۱۷۱، ۱۷۰) در صورت تقصیر بزه دیده در جرائم تعزیری ماده ۳۸ اعمال خواهد شد که تخفیف برای بزهکاران در نظر گرفته شده آن هم فقط در حد یک پیشنهاد و بدون ذکر مصادیق اعمال آن که باعث اعمال نظرهای مختلف در این زمینه می شود زمانی که یک خانم مسن که توانایی مراقبت از خد را ندارد (حتی پای فرار ندارد) انواع و اقسام زیور آلات را می پوشد چنین شخصی خود زمینه ترغیب بزهکاران بلقوه به ارتکاب بزه سرقت علیه خود فراهم میکند.

بخش چهارم: محدودیت های قلمرو جرم انگاری در خصوص بزه دیده مقصر

جاناناتان هرینگ از فلاسفه حقوق کیفری معتقد است که برای جرم انگاری یک رفتار باید آن را از سه فیلتر اصول، پیش فرض ها و کارکرد ها عبور داد در فیلتر اصول و مبانی نظری راجع به جرم انگاری (مثل صدمه) در حیطه مداخله دولت قرار داشته باشد در فیلتر پیش فرض ها باید ثابت شود که مداخله حقوق کیفری ضروری است و نمی توان با روش های ملایم تر از حیث ضمانت اجرا با رفتار مدنظر مقابله کرد در کارکرد ها باید عواقب عملی جرم انگاری رفتار بررسی شود و در صورتی آن را جرم انگاری کرد که سود آن بر هزینه ها و زیان برتری داشته باشد. علت این پیچیدگی این است که نقش جرم انگاری محدودیت قلمرو آزادی های افراد را به دنبال دارد و اگر خارج از مبانی و اهداف حقوق جزا انجام شود و از ارزش و ابهت حقوق جزا می کاهد (گسن ۲۲۸، ۱۳۷۱: ۳۲۳) به نحوی که می تواند شمشیر برنده و موثر حقوق جزا را آنچنان کند، کند که امکان صحیح حمایت از ارزش های اساسی و حیاتی جامعه را از ارزش های اساسی و حیاتی جامعه راهم از آن سلب کند اصل وجود ضمانت اجرا برای رفتار افراد استثنا است و اصل بر آزادی عمل است و اصل بر وجود ضمانت اجراهای دیگر)

مدنی، اداری) است. در کتب حقوق کیفری از این اصل با عنوان (سیاست جرم انگاری تا حداقل ممکن) یاد شده است. در حوزه ارزش های اساسی و حیاتی مردم و جامعه نمی توان هر فعل را جرم انگاری تلقی کرد بلکه توسل به جرم انگاری باید به عنوان آخرین راه حل باشد (هوساک ۲۰۰۴: ۲۰۷) به تعبیر کلارسون جامعه ای که برای آزادی ارزش و احترام قائل است از حقوق جزا فقط در موارد کاملاً ضروری و به عنوان آخرین راه حل کمک می گیرد آنچه مهم است نباید جرم انگاری را آنچنان موسع کرد که تعداد جرم انگاری های نظام حقوقی زیاد شود. (هوساک ۲۰۰۸: ۳) اگر ضررهای جرم انگاری عمل خاصی بر فواید آن غلبه کند در درستی اقدام باید تردید کرد. با جرم انگاری در این خصوص اگر بزه دیده بداند که در سایه حمایت قانون قرار ندارد و حتی ممکن است مورد مجازات و نکوهش قانون قرار بگیرد قانون گذار از هدف حمایت از منافع و ارزش های اساسی و مهم شهروندان دور شده و در اکثر مواقع زمانی که حقوق افراد مورد تعرض و تجاوز دیگران قرار گرفته به دلیل ترس از مجازات و جلوگیری از تحقیر توسط قانون سکوت میکنند که این امر دو نتیجه منفی در پی دارد: یک: افزایش هرج و مرج دو: افزایش رقم سیاه جرایم. در صورت لزوم اعمال مجازات در این موارد تناسب مجازات باید در نظر گرفته شود کلارسون می گوید: هیچ کس برای شکستن فندق از پتک استفاده نمی کند (کلارسون ۱۹۸۷: ۱۶۱)

نتیجه گیری

قانون جزا صرفاً به نتایجی که جنبه مجرمانه دارد توجه می نماید و طبیعتاً کسی را که از این نتایج رنج می برد از کسی که این نتایج را به وجود آورده تفکیک می کند و نهایتاً به وجود آورنده نتایج را مورد توجه قرار داده و بزه دیده را به دست فراموشی سپرده ولی با توجه به تحولاتی که در سیاست جنایی در مورد بزه دیده شناسی به وجود آمد در پژوهش حاضر در قوانین جزایی هم به چشم میخورد که نشان از تاثیر پذیری بزه دیده شناسی علمی است و سیاست گذاران تقنینی قضایی و اجرایی نیز نقش افراد بزه دیده در فرایند فعلیت یافتن پدیده مجرمانه به عنوان یک عنصر فعال در جرائم ارتكابی و آثار این تقصیر بر گستره مسئولیت

کیفری بزهکار مدنظر قرار داده است بنابراین با بهره مندی از دستاورد های بزه دیده شناسی علمی می توان تقصیر بزه دیده وضعیت روحی و روانی بزه دیده مادرزاد و رضایت و تسهیل ارتکاب جرم توسط بزه دیده را شناسایی کرده و در نهایت با استفاده از آموزه های بزه دیده شناسی نخستین در صدد کمتر از بزه دیدگان و پیشگیری از بزه دیده واقع شدن بر آمد در این پژوهش بررسی ها نشان داد که هر چند نقش بزه دیده در جرائم مستوجب تعزیر به صورت وسیعی مورد توجه قانون گذار و قضات قرار گرفته و در این زمینه مشکل چندانی به نظر نمی رسد اما در رابطه با در نظر گرفتن نقش بزه دیده در میزان مجازات بزهکار در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه به دلیل ثابت بودن مجازات ها و عدم اختیار قاضی در تخفیف مجازات ها هنوز خلا قانون وجود دارد و بررسی این مواد در قانون مجازات اسلامی ضرورتی انکار ناپذیر به نظر می رسد ولی باید در جرم انگاری لزوم تناسب مجازات و عمل انجام شده را مورد نظر قرار داد و این مجازات ها به نحوی نباشد که باعث رعب و وحشت بزه دیده از گزارش جرم علیه خود شود روش پیشنهادی این هست که به میزان تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم از میزان مجازات بزهکار کاهش یافته و اگر عمل بزهکار به عنوان جرم خاصی در قانون جرم انگاری شده به مجازات آن جرم محکوم شود در غیر این صورت یعنی جرم انگاری برای تقصیر، سهل انگاری و... از ارزش و اعتبار قانون کاسته و از اهداف اساسی قانون گذاری دور می شویم.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی پیمان، بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی ایران، نشریه حقوقی دادگستر سال ۸۴ شماره ۵۲-۵۳
۲. بابایی محمد علی، جهانی شدن جرم: ضرورتی پیش روی مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی، فصلنامه آموزه های حقوقی کیفری سال ۱۳۹۰ شماره ۱ دوره ۸
۳. پوربافرانی حسین، باید ها و نباید های جرم انگاری در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۰ شماره ۷۵
۴. جمال بیگی، حکیمه یزدانی، نقش بزه دیده بر مسئولیت بزهکار در قانون مجازات اسلامی از منظر آموزه های بزه دیده شناسی علمی، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری شماره ۳۹ بهار ۹۸
۵. جوان جعفری، عبدالرضا و شاهیده رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران، فصلنامه آموزه های حقوق کیفری شماره ۵، ۱۳۹۲
۶. حسینی کوهساری اصغر، جایگاه بزه دیده بزه دیده در جرائم علیه اموال و مالکیت، ماهنامه قضاوت شماره ۶۹، ۱۳۹۰
۷. رحیمی نژاد اسمعیل، جرم‌شناسی چاپ اول، تبریز نشر فروز شماره ۱۳۸۸
۸. رحیمی نژاد اسمعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران نشر میزان ۱۳۸۷
۹. زراعت عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ج ۱، چاپ چهارم تهران نشر ققنوس ۱۳۹۴

۱۰. سماواتی پیروز امیر، عدالت ترمیمی تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران نشرنگاه بینه، چاپ اول ۱۳۸۵
۱۱. سلیمی علی، داوری محمد، جامعه شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه سال ۱۳۹۴
۱۲. شاهیده فرهاد، جوان جعفری عبدالرضا، پیشگیری وضعی از بزه دیدگی زنان در جرائم جنسی، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول شماره ۲ سال ۱۳۹۳
۱۳. شاهیده فرهاد، مطالعه مبانی بزه دیده شناسی نخستین (علمی) در قانون مجازات اسلامی و چگونگی اعمال آن در آرای دادگاه ها، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرمشناسی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۹۱
۱۴. عبدالفتاح عزت، بزه دیده شناسی ترجمه، اسمعیل رحیمی نژاد فصلنامه مفید شماره ۸۱ سال ۱۳۷۸
۱۵. کاتوزیان ناصر، ۱۳۷۳ مقدمه علم حقوق و مطالعه نظام حقوقی ایران، تهران شرکت سهامی انتشار
۱۶. گسن ریموند، جرمشناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ پنجم تهران نشر مجد ۱۳۹۶
۱۷. مدنی قاسم، بررسی جایگاه بزه دیده در اعمال مجازات حدی ۱۳۹۷
۱۸. نجفی ابرند آبادی علی حسین، تقریرات درس جرمشناسی (بزه دیده شناسی علت شناختی) تهیه و تنظیم مجید صادق نژاد نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷
۱۹. نیاز پور امیر حسین، بررسی جرم شناسانه ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آموزه های حقوق کیفری شماره ۷ سال ۱۳۹۳

۲۰. وکیلان حسین، المیری احمد، مقدمه ای بر فلسفه فلسفه قانونگذاری در تکاپوی ارتقای

کیفیت قانون، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم شماره ۵۱، ۱۳۸۴

۲۱. هوساک داگلاس، جرم انگاری افراطی، ترجمه محمد تقی نوری، مجمع علمی و فرهنگی

مجلد، سال ۱۳۹۰

۲۲. یزدانی حکیمه، جایگاه بزه دیده شناسی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات واحد علوم و تحقیقات

آذربایجان شرقی ۱۳۹۳